



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Critique and classification of the views of critics of Shamlloo poetry and thought

S. Gholaminejad, M.R. Roozbeh*, A. Nouri

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 July 2021
Reviewed: 16 August 2021
Revised: 29 August 2021
Accepted: 18 October 2021

KEYWORDS

Literary Criticism; Including;
Criticism classification; Reviewer;
Poetry; Thought.

*Corresponding Author

✉ rayanroozbeh@yahoo.com

☎ (+98 66) 33120001

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Shamlloo's works and ideas, as a new poet and master of style and format in contemporary Persian literature, have a relatively wide range and familiarity with the critiques of his poetry and thought, interest Critics and critics help people with a broader vision and a more principled approach to criticism. In this article, the articles of the last two decades on the subject of criticism and analysis of poetry and thought, which have been published in scientific-research journals, as well as the index books that have criticized and analysis of poetry and thought, have been reviewed and classified. This classification determines from which perspectives Shamlloo poetry can be researched and from which perspectives it has remained unknown and neglected. The present article has tried to answer the question, which type of critique has been the most approached by critics in the last two decades, and what is the reason for the abundance or quantity of types of critique of Shamlloo's poetry and thought?

METHODOLOGY: For this purpose, sixty-four scientific and research articles published in prestigious journals in the eighties and nineties and thirty-seven index books in the field of poetry including poetry using descriptive-analytical method and data collection as The library has been reviewed.

FINDINGS: In the field of articles, the amount of criticism in the nineties is twice as much as the criticism in the eighties. Of the twenty-eight articles in the eighties, eight were rhetorical critiques, four were deconstructive critiques, and the rest were mythological, psychoanalytic, and feminist critiques. In the nineties, forty-three scholarly essays have critiqued poetry and inclusive thought, with the highest proportions being comparative, rhetorical, constructivist, and reader-centered, respectively. In the field of critical books, the most critical approaches that have been welcomed by experts and researchers in this field are: integrated criticism (frequency 27%), sociological criticism (frequency 24.32%), constructivist criticism (frequency 18.92%), Aesthetic Criticism (frequency 16.22%).

CONCLUSION: The frequency of comparative, rhetorical, structuralist and structural criticism in the critiques of the last two decades shows that critics follow the latest approaches to criticism in the world and based on the new view of the world of criticism. On the other hand, there are many modern aspects in Shamlloo's poetry and the rhetoric of his poetry is western and new and is more in line with modern literary theories and has caused the exponential tendency of critics to his poetry.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.6495](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.6495)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 1	 9

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

نقد و طبقه‌بندی آرای منتقدان شعر و اندیشه شاملو

سهیلا غلامی نژاد، محمدرضا روزبه*، علی نوری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: آثار و اندیشه‌های شاملو، بعنوان شاعری نوپرداز و صاحب سبک و قالب در ادب فارسی معاصر، گستره نسبتاً وسیعی را به خود اختصاص داده است و آشنایی با نقدهای صورت‌گرفته بر شعر و اندیشه ایشان، به علاقه‌مندان و اهالی نقد و پژوهش کمک میکند با بینش فراختر و نگرش اصولی‌تری در عرصه نقد گام بردارند. در این جستار مقالات دو دهه اخیر با موضوع نقد و تحلیل شعر و اندیشه شاملو که در مجلات علمی-پژوهشی بچاپ رسیده‌اند و نیز کتب شاخصی که به نقد و تحلیل شعر و اندیشه شاملو پرداخته‌اند، بررسی و طبقه‌بندی شده است. این طبقه‌بندی معلوم میکند که شعر شاملو از چه منظره‌هایی قابلیت پژوهش دارد و از چه نظرهایی مجهول مانده و مورد غفلت واقع شده است. جستار حاضر سعی کرده به این پرسش، پاسخ دهد که بیشترین رویکرد منتقدان دو دهه اخیر به کدامیک از انواع نقد بوده است و علت فراوانی یا کمی انواع نقد صورت‌گرفته بر شعر و اندیشه شاملو چیست؟

روش مطالعه: برای این منظور تعداد شصت و چهار مقاله علمی و پژوهشی چاپ‌شده در مجلات معتبر در دهه‌های هشتاد و نود و تعداد سی و هفت کتاب شاخص در حوزه نقد اشعار شاملو با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای بررسی شده است.

یافته‌ها: در حوزه مقالات، میزان نقدهای دهه نود دوبرابر نقدهای صورت‌گرفته در دهه هشتاد است. از تعداد بیست و یک مقاله دهه هشتاد، هشت مقاله نقد بلاغی، چهار مقاله نقد واساختی و بقیه مقالات نقدهای اسطوره‌گرا، روانکاوانه و فمینیستی بوده است. در دهه نود، چهل و سه مقاله علمی-پژوهشی به نقد شعر و اندیشه شاملو پرداخته‌اند که بیشترین میزان را بترتیب نقد تطبیقی، بلاغی، ساختگرا و خواننده‌محور بخود اختصاص داده است. در حوزه کتابهای انتقادی نیز بیشترین رویکردهای نقد که مورد استقبال صاحب‌نظران و محققان این حوزه قرار گرفته است عبارتند از: نقد تلفیقی (بسامد ۲۷/۱)، نقد جامعه‌شناسی (بسامد ۲۴/۳۲)، نقد ساختگرا (بسامد ۱۸/۹۲)، نقد زیبایی‌شناسی (بسامد ۱۶/۲۲).

نتیجه‌گیری: بسامد نقد تطبیقی، بلاغی، ساختارگرا و واساختی در نقدهای دو دهه اخیر نشان میدهد که منتقدان مطابق جدیدترین رویکردهای نقد در جهان و بر اساس نگاه تازه دنیای نقد پیش میروند. از طرفی جنبه‌های مدرن در شعر شاملو زیاد است و رتوریک شعر او غربی و نو است و با نظریه‌های ادبی نوین انطباق بیشتری دارد و سبب گرایش تصاعدی منتقدان به شعر ایشان شده است.

تاریخ دریافت: ۲۴ تیر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۲۵ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۰۷ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۶ مهر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

نقد ادبی، شاملو، طبقه‌بندی نقد، منتقد، شعر، اندیشه.

* نویسنده مسئول:

rayanroozbeh@yahoo.com
۳۳۱۲۰۰۰۱ (+۹۸ ۶۶)

مقدمه

نقد ادبی یکی از علوم ادبی است که سابقه آن به آرا و آثار افلاطون و ارسطو می‌رسد. در گذشته نقد یک اثر به معنی یافتن یا بیان معایب آن بود، اما در سده‌های اخیر رویکرد نقد تغییر کرده است؛ بویژه از قرن بیستم، با ظهور نظریه‌های جدید ادبی، نقد ادبی، به تجزیه و تحلیل آثار از دیدگاه‌های گوناگون می‌پردازد. این دیدگاه‌ها گاهی به ساختار و ظاهر اثر، گاهی به درونمایه و محتوا و گاهی به تأثیرات متقابل یک یا چند اثر بر شرایط و آثار پیرامونش می‌پردازد. از این روی در دهه‌های اخیر بویژه از ۱۹۷۰ تا کنون، شاهد تألیف آثار متنوع در این زمینه و روی آوردن منتقدان، صاحب‌نظران و پژوهشگران به نقد آثار بر اساس نظریه‌های نوین ادبی هستیم. در همه این آثار، تنوع در انواع نقد و دیدگاه‌های مختلف، بگونه‌ای است که در دسته‌بندی انواع نقد، منبع و مرجع مشخصی را نمیتوان ملاک قرار داد. با نگاهی به فهرست مطالب آثار تألیفی و ترجمه‌ای در زمینه نقد ادبی، با تنوع و گستردگی روبه‌رشد نقد و نظریه‌های ادبی مواجه می‌شویم. برخی انواع نقد بر اساس دوره‌های تاریخی است؛ در این طبقه‌بندی همه رویکردهای نقد مطرح نشده‌اند. بعضی بر اساس مکتبهای فکری و فلسفی انواع نقد را نظم داده‌اند که در این دسته‌بندی نیز یک نوع نقد ممکن است ذیل دو یا چند دسته قرار گیرد. یک نوع طبقه‌بندی نیز بر اساس نظامهای علوم انسانی است که خالی از اشکال نیست. برای مثال برخی مؤلفان به نقد مارکسیستی بعنوان یک نوع مستقل نقد قائلند و برخی دیگر آن را ذیل نقد جامعه‌شناسی آورده‌اند و برخی آن را جزو نقد ادبی نمیدانند. درمورد نقد اسطوره‌گرا، گروهی بعنوان یک رویکرد مجزا، عده‌ای زیرمجموعه نقد انسان‌شناسانه و برخی نیز آن را ذیل نقد روانکاوانه قرار داده‌اند. بنظر می‌رسد بعضی از انواع نقد را بدلیل گستردگی مفهوم و اقبال منتقدان، به یک نوع مجزا تبدیل کرده‌اند درحالی‌که خود، زیرمجموعه طبقه بزرگتری است. امثال این شیوه‌ها، طبقه‌بندی نقد و ارائه یک دسته‌بندی دقیق و بی‌شبهه را مشکل می‌سازد؛ گرچه «نقدهای برجسته، نقدهایی هستند که بصورت صددرصد در هیچ کدام از این چهارچوبها نمی‌گنجند ولی نشان میدهند که منتقد با این آرا آشناست و ذهنی تربیت شده دارد. همانطور که تی. اس. الیوت گفته است، نقد به خودی خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای است برای فهم بیشتر اثر ادبی و التذاذ عمیقتر از آن. بدین ترتیب بکار بستن روشی خاص و مقید ماندن صرف در آن روش اجباری نیست» (نقد ادبی، شمیسا: ص ۱۵). در این پژوهش تلاش بر آن بوده است که از بین همه انواع ارائه‌شده، آنها که مطابقت بیشتری با نقدهای انجام‌شده درمورد شاملو دارند، ملاک قرار گیرد.

آثار و اندیشه‌های شاملو بعنوان شاعری نوپرداز و صاحب سبک و قالب در ادب فارسی معاصر، گستره نسبتاً وسیعی را خود اختصاص داده است و آشنایی با نقدهای صورت‌گرفته بر شعر و اندیشه ایشان، به علاقه‌مندان و اهالی نقد و پژوهش کمک میکند با بینش فراختر و نگرش اصولی‌تری در عرصه نقد گام بردارند. در زمینه نقد آثار شاملو آثار ارزشمندی پدید آمده و «نقد آثار شاملو» (دستغیب)، «سفر در مه» (پورنامداریان)، «شعر زمان ما؛ احمد شاملو» (حقوقی)، «انسان در شعر معاصر» (مختاری)، «انگشت و ماه» (پاشایی)، «شاملو در تحلیلی انتقادی» (آتشی)، «امیرزاده کاشیها» (سلاجقه) و... از آن جمله است. این پژوهش درنظر دارد آثار نقد مربوط به شعر و اندیشه شاملو را بررسی و طبقه‌بندی نماید تا از این طریق، میزان گرایش منتقدان و دوستداران شاملو به شعر و اندیشه ایشان ارزیابی و نیز مشخص شود که نقدهای آنان، ذیل کدام انواع نقد و نظریه می‌گنجد و رویکرد منتقدان شعر و اندیشه شاملو به کدام نوع بیشتر بوده است و دلایل و عوامل فراوانی و کمی انواع نقد صورت‌گرفته بر اندیشه شاملو و آثارش چیست. این طبقه‌بندی معلوم میکند شعر شاملو از چه منظرهایی قابلیت پژوهش دارد و از چه نظرهایی مجهول مانده و مورد غفلت واقع شده است.

سابقه پژوهش

طبق بررسی نگارندگان، درمورد نقد و طبقه‌بندی آرای منتقدان شاملو، تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است. تنها مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نقدهای مربوط به شعر احمد شاملو» (بالال و همکاران) بر آن شده است که ضمن نشان دادن سیر تاریخی و کانون نگارش تحقیقات، کتابها و مقالات شاخصی را که در این حوزه تألیف شده مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و به این نتایج رسیده است: در مجموع ۳۰۳ مقاله با موضوع نقد و بررسی شعر شاملو به رشته تحریر درآمده است که از حیث کانون نگارش، ۹٪ آنها در جراید، ۸٪ در مجلات علمی-پژوهشی و ۸۳٪ در مجلات مروری-ترویجی چاپ و منتشر شده‌اند. مطابق یافته‌های این مقاله، سیر تاریخی تحقیق در باب شاملو نیز به قرار زیر است:

از ۳۰۳ مقاله ۴٪ مقالات بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵؛ ۷٪ بین ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵؛ ۱٪ بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵؛ ۱۲٪ بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵؛ ۵۹٪ مربوط به سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵؛ ۱۷٪ بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰. تفاوت جستار حاضر با مقاله مذکور در این است که در این مقاله، طبقه‌بندی نقدها صورت نگرفته و صرفاً نقدهای مربوط به شعر شاملو محاسبه و کانون نگارش آنها (مجلات علمی، ترویجی، ژورنالی و...) سیر تاریخی آنها یعنی میزان فراوانی در هر دهه بررسی شده است؛ درحالی‌که جستار حاضر، بر آن است که نقدهای صورت گرفته بر شعر و اندیشه شاملو و رویکردهای منتقدان ایشان را بر اساس نقد و نظریه‌های ادبی، تحلیل و طبقه‌بندی کند.

روش مطالعه

این جستار به روش توصیفی-تحلیلی تهیه شده است. گردآوری اطلاعات در بخش مقالات، با مراجعه به سایتهای مجلات علمی-پژوهشی کشور انجام گرفته است. بدین ترتیب که ابتدا مقالات علمی-پژوهشی در رابطه با نقد شعر و اندیشه شاملو استخراج و مطالعه گردید؛ سپس به دسته‌بندی مقالات بر حسب دهه انتشار، دایره نقد (شعر یا اندیشه) و رویکرد نقد پرداخته شد و در پایان چرایی رویکرد منتقدان به این گونه‌های نقد تحلیل شده است. در بخش کتب نیز با خوانش کتابها و بر اساس برداشت نگارنده نوع نقد هریک تعیین و در نهایت طبقه‌بندی نقدها صورت گرفته است.

بحث و بررسی

یافته‌ها در این جستار، شامل دو بخش مقالات و کتب است.

مقالات: مقاله‌های چاپ شده در مجلات علمی-پژوهشی مربوط به دهه‌های هشتاد و نود (از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۷) مطالعه و بررسی شده‌اند. تعداد مقالات چاپ شده دهه هشتاد، ۲۱ عدد و مقالات چاپ شده دهه نود، ۴۳ مقاله بود که بیانگر رویکرد روزافزون منتقدان و پژوهشگران به نقد شعر و اندیشه شاملو است.

نمودار فراوانی مقالات علمی - پژوهشی در هر دهه

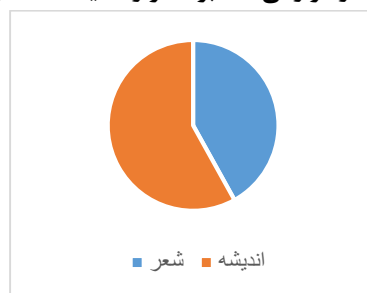


از آمار افزایشی مقاله‌های بررسی‌شده چنین استنباط می‌شود که نقد بر آثار و اندیشه‌های شاملو در دهه اخیر روبه‌گسترش است. تعداد نقدها از ابتدای دهه نود تا نیمه‌های آن (سال ۱۳۹۷)، دو برابر نقدهای صورت گرفته در دهه هشتاد است. از دلایل رشد نقد در دهه اخیر می‌توان به گسترش تحصیلات دانشگاهی و بتبع آن، بیشتر شدن پژوهشگران و رشد فرهنگ پژوهش بدلیل ارتقای تحصیلی مخاطبان شعر و منتقدان اشاره کرد. در دهه نود با توجه به سیاستهای دولت و وزارتین علوم، دانشجویان تحصیلات تکمیلی بشکل فزاینده‌ای وارد عرصه پژوهش و تحقیق شدند و از آنجاکه شعر شاملو، بلحاظ زبان و مفهوم، ارتباط وسیعی با مردم کوچه و بازار ندارد و مخاطبانش، فرهیختگان و دانشگاهیان هستند، با قدرت در میان این گروه، سرایت کرده و توجه به آن، رو به افزایش نهاده است.

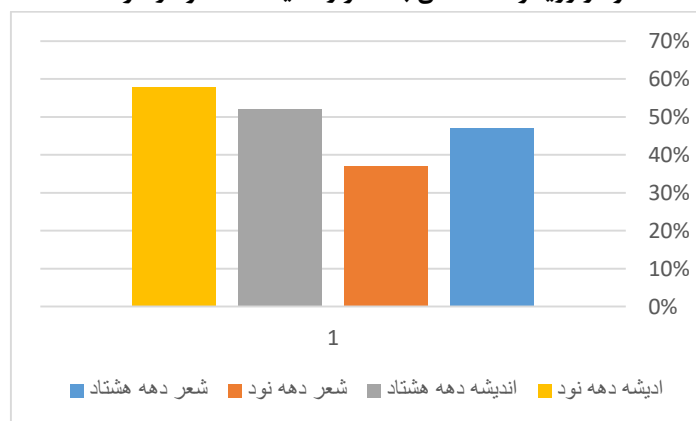
در دهه‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۰ چیرگی آرا و آرمانهای سیاسی و اجتماعی سبب میشد آرای ایدئولوژیک بر تفکر انتقادی غلبه داشته باشد؛ اما از دهه هفتاد به بعد، یعنی دهه پایانی سده بیستم میلادی، وضعیت آرام آرام تغییر کرد و نقد ادبی از آرا و آرمانهای سیاسی و اجتماعی فاصله گرفت و نقد دانشگاهی به جهان نو توجه نشان داد. آرای فرهنگی، ادبی و هنری فرنگی بصورت متون اصلی یا ترجمه بطور وسیعتری در دسترس منتقدان قرار گرفت؛ بنابراین جنبه تخصصی در نقد غلبه یافت و شماری از منتقدان ادب معاصر به تلفیق نقد ادبی و تحقیق ادبی راغب شدند (مقدمه‌ای بر شعر فارسی، عابدی: ص ۱۸۱). روزبه دهه ۴۰ و ۵۰ را دوران شکوفایی نقد و نقدنویسی در ایران در اغلب حیطه‌ها از جمله شعر، داستان، نمایشنامه و... میدانند و مینویسد: گسترش دیدگاه‌های نقد نو از طریق انتشار آثار نویسندگان داخل و خارج و نقدهای گوناگون بر آثار، در رشد چشمگیر نقد خلاق بسیار مؤثر واقع شد. در سالهای نخست پس از انقلاب، به اقتضای شرایط حاد اجتماعی - سیاسی، نقد و نقدنویسی غالباً رنگی از تعلقات و تمایلات سیاسی و اعتقادی داشت اما طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰، با ترجمه آثار نو در زمینه نقد و نظریه‌های نوین ادبی و نیز رواج و گسترش تازه‌ترین نظریات فلسفی و ادبی در حوزه‌های زبان‌شناسی، معنی‌شناسی، اسطوره‌شناسی، سمبل‌شناسی، شکل‌گرایی، ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی، هرمنوتیک و... موجب گرایش مترجمان، محققان و منتقدان ایرانی به قلمروهای تازه‌تر شد و بدین وسیله آفاق پهناوری پیش روی نسلهای نوی هنری - ادبی قرار گرفت (ادبیات معاصر نثر، روزبه: ص ۱۱۸-۱۱۹). ازاینرو در دو دهه اخیر هرچه پیشتر می‌رویم، شاهد نقدهای بیشتر و اصولی‌تری هستیم که بر اساس نظریه‌های و گفتمانهای جدید ادبی شکل گرفته و تحلیل علمیت‌تری از آثار ادبی بدست میدهند.

در دهه هشتاد، بیست و یک مقاله با موضوع نقد شعر و اندیشه شاملو، در مجلات علمی پژوهشی بچاپ رسیده است که از این تعداد، ده مقاله به بررسی شعر شاملو و یازده مقاله به نقد اندیشه شاملو پرداخته‌اند که حالتی تقریباً برابر دارد؛ این در حالی است که در دهه نود از بین چهل و سه مقاله علمی-پژوهشی چاپ‌شده، شانزده مقاله شعر شاملو را کاویده‌اند و بیست‌وپنج مقاله اندیشه شاملو را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند که علاقه و توجه محققان و دانش‌پژوهان را به واکاوی اندیشه‌های شاملو نشان می‌دهد.

نمودار فراوانی نقد بر شعر و اندیشه شاملو



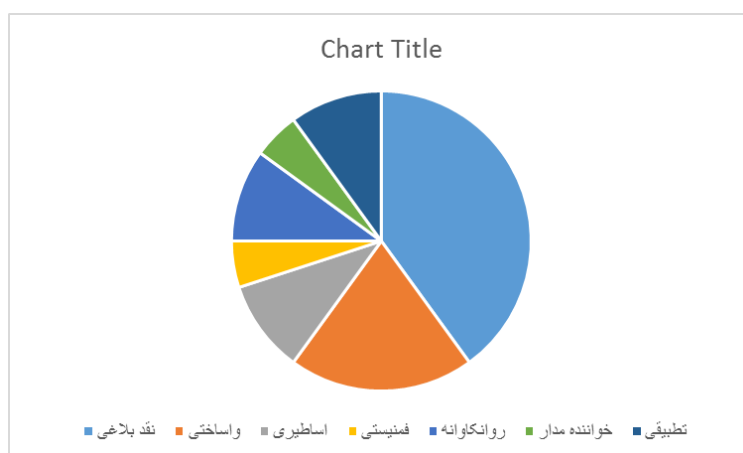
نمودار رویکرد منتقدان به شعر و اندیشه شاملو در هر دهه



با قیاسی مجمل بین مقالات دهه هشتاد و نود، مشاهده می‌شود که رویکرد پژوهشگران به نقد آثار و اندیشه شاملو دوبرابر شده است. از نظر نگارندگان، این تفاوت در رویکرد بی‌دلیل نیست. شاملو بعنوان شاعری که دارای سبک و نظام فکری خاص خویش است از منظرهای بسیاری هنوز برای دوستداران شعر و ادب بطور کامل شناخته‌شده نیست و هرچه تحقیقات و نقدها بر شعر و اندیشه او بیشتر صورت می‌گیرد، وجوه تازه‌تری از آنها رخ مینماید؛ بنابراین با اعتلای بینش شعری و گسترش دانش نقد، نقد شعر و اندیشه شاملو نیز گسترش می‌یابد. در دهه هشتاد از میان بیست و یک مقاله، هشت مقاله، به نقد بلاغی و چهار مقاله به نقد واساختی پرداخته‌اند و دو نقد اسطوره‌گرا، دو نقد روانکاوانه، دو نقد تطبیقی، یک نقد خواننده‌مدار و یک نقد فمینیستی صورت گرفته که بیشترین رویکرد به نقد بلاغی و پس از آن، نقد واساختی (شالوده‌شکنی) بوده است.

نقدهای دهه هشتاد

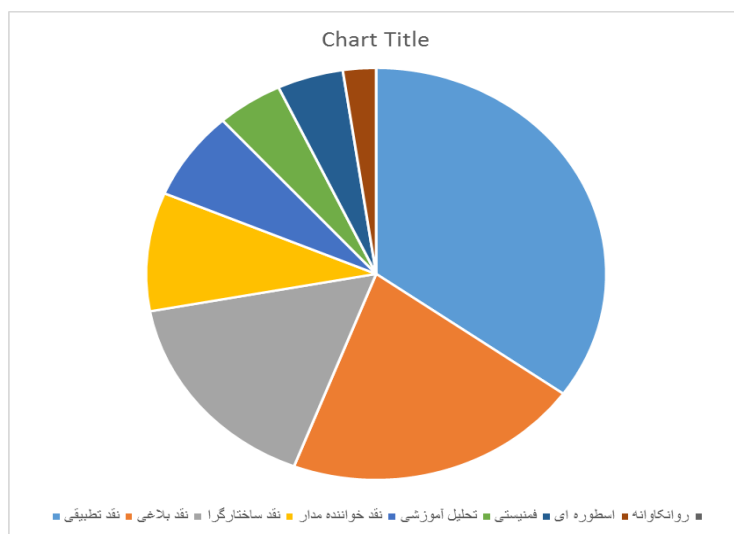
نقد بلاغی	واساختی	اساطیری	روانکاوانه	تطبیقی	خواننده مدار	فمینیستی
8	4	2	2	2	1	1
40/00%	20/00%	10/00%	10/00%	10/00%	5/00%	5/00%



در دهه نود، تنوع بیشتری در انواع نقد دیده میشود ولی بیشترین رویکرد به نقد تطبیقی بوده است؛ چنانکه از بین چهل و سه مقاله، پانزده مقاله به نقد تطبیقی، نه مقاله به نقد بلاغی، هفت مقاله نقد ساختارگرایانه، سه مقاله به نقد و تحلیل آموزشی (رویکرد تحلیلی آموزشی دارند اما در مجلات علمی پژوهشی چاپ شده‌اند)، دو مقاله به نقد فمینیستی، دو مقاله به نقد اسطوره‌گرا و یک مقاله به نقد روانکاوانه اختصاص دارد.

نقدهای دهه نود

نقد تطبیقی	نقد بلاغی	نقد ساختارگرا	نقد خواننده مدار	تحلیل آموزشی فمینیستی	اسطوره‌ای	روانکاوانه
15	9	7	4	3	2	1
34/88%	20/93%	16/28%	9/30%	6/98%	4/65%	2/33%



تحلیل چرایی گسترش نقد بر شعر و اندیشه شاملو و تحلیل چرایی فراوانی یا کاهش گونه‌های نقد

یکی از دلایل اقبال منتقدان به نقد و تحلیل شعر و اندیشه شاملو این است که شاملو بعنوان یکی از پیشگامان شعر نو و پرچمدار نوگرایی و سنت‌گریزی در شعر و ادبیات، مورد توجه بوده و هست و هرچه زمان پیش می‌رود و قالب‌های نو در شعر فارسی جاف‌تر می‌شود، جایگاه امثال نیما و شاملو و... شناخته‌تر و وقوف بر ناشناخته‌های شعر ایشان ضرورتر می‌نماید؛ زیرا «رشد نوگرایی در سده بیستم نشان داد که زیستن با ایده‌های سنتی در شعر چاره‌جویی مناسب نیست و نوگراییهای گسترده نشان از آن دارد که تخیل و زبان در حال عبور از مرزهای شناخته‌شده است» (مقدمه‌ای بر شعر معاصر فارسی، عابدی: ص ۴۶۶)، اما علیرغم رشد و گسترش شعر نوگرا و پس از ظهور شاعران برجسته‌ای چون نیما، شاملو، فروغ، سهراب و... با نگاهی اجمالی به شعر دو دهه اخیر، نظریه منسجم و نظام‌بندی درخصوص شعر و رتوریک آن -چنانکه در شعر و اندیشه کسانی چون شاملو، اخوان، برهانی و هم‌ترازان‌شان که هر یک صاحب سبک و نظام‌مندی خاص خود بودند- دیده نمی‌شود؛ ازاینرو اقبال به واکاوی شعر و اندیشه شاعران صاحب‌سبک، که شاملو از بی‌بدیلترین آنهاست، بیشتر شده است.

از دیگر دلایل توجه بیش‌ازپیش به شعر و اندیشه شاملو، وضعیت نامناسب شعر متعهد در دهه‌های اخیر است. شاملو درباره وضعیت شعر و نثر معاصر و آشفتگی آن معتقد است: «در زمینی که مستعد باروری است، قطعاً خار و خس و هر دانه‌ای که احتمال رویدن و جوانه زدن داشته باشد سبز می‌شود و این آشفتگی خود دلیل باروری است. امروز در حقیقت یک شعر بدون وزن و قافیه پدیدار شده که از نظر فرم باید آن را شعر سپید و از لحاظ مکتب باید شعر سورئالیستی نامید و بیشتر نمایندگان این نوع شعر، جوانهایی هستند که تازه شروع بکار کرده‌اند ولی متأسفانه باید بگویم که اینها، شعرهای بی‌عار و دردی است؛ شعر بی‌وظیفه و شعر بی‌هدف، خواه ناخواه محکوم به فناست؛ چه این دسته شاعران راه و روش دیگری (راه حقیقت) در پیش گیرند و چه مهر سکوت بر لب بزنند» (سندباد در سفر مرگ، شاملو: ص ۷۶). شعر متعهد مستلزم داشتن آگاهی، بنمایه فکری و دانش اجتماعی شاعر است؛ از طرفی نشر اشعار و آثار ضعیف‌تر موجب روی آوردن بسیاری از اقشار به شاعری گشته است (وضعیتی شبیه به آنچه در دوره صفوی رخ داد و موجب پدیدآمدن سبک هندی یا اصفهانی شد). «شعر امروز ما، حتی در سنجش

با شعر دهه‌های سی و چهل، دچار ابتذال گردیده، از دیدگاه زبان و مفهوم، هر دو، تهی شده و گیرایی برای خواننده ندارد. با چشم‌پوشی از مفاهیم عرفانی عشقی، [...] شعر نو بنا بر آنچه در جهان معاصر میگذرد، باید یکپارچه به زندگی بشر و امور و مسائل اجتماعی بپردازد اما چنانکه میبینیم، شعر امروز ما یکپارچه و بگونه‌ای مطلق، از این مفاهیم تهی است. شعر معاصر ما پس از شاعران برجسته‌ای مانند تندرکیا، نیمایوشیچ، احمد شاملو، فروغ فرخزاد و اخوان ثالث یک‌باره راه ابتذال و تهی‌شدگی از هرگونه پندار یا اندیشه اجتماعی - انسانی را پیش گرفته است» (زبان فارسی و ادبیات معاصر، وثوقی: ص ۲۵۳). در چنین شرایطی، با وجود نیاز مبرم جامعه به ادبیات و بازتاب مسائل روز در شعر، جای خالی آن حس میشود و مخاطبان شعر و ادبیات به دامن آثار شاعران متعهد دهه‌های پیشین پناه می‌برند و از آنجاکه شعر شاملو فریاد دردمند انسان دردکشیده هر دوره و روزگاری میتواند باشد، بهترین گزینه برای شرایط روز اجتماع است. شعر امروز ما، سخت دچار فقدان اندیشه و جهان‌بینی آزاد انسانی است. شرایط بد اقتصادی نیز مزید بر علت شده و چندان مجالی برای اندیشه باقی نگذاشته، ازینرو شعر دچار واپس‌ماندگی و ابتذال گشته است. بنابراین روی آوردن منتقدان به نقد شعر و اندیشه امثال شاملو که در عصر خود بی‌بدیلند، بدیهی بنظر میرسد.

یکی دیگر از عوامل اقبال به نقد اندیشه شاملو، گرایشهای اجتماعی در شعر اوست. «شاملو بیش از هر شاعری از جریانات اجتماعی مختلف تأثیر پذیرفته و در حقیقت شعر خود را زمانی شروع کرده که وطنش در دوره بحرانی خاصی بسر میرده است. شروع در دوره‌ای که معمولاً با قصدی ویژه به شعر نگرسته میشود و شعر وظیفه و هدف، و شکل شعار پیدا میکند و لاجرم مسئله شعر روز و شعر همیشه یا شعار و شعر پیش می‌آید؛ به این معنی که چون شرایط تغییر میکند و اوضاع دگرگون میشود و عصیانها به سردی و طوفانها به آرامی و ایمانها به بی‌اعتقادی می‌انجامد، همه این شعرهای روز و این شعارها نیز ارزش و اثر خود را ازدست میدهد و بناچار از میان خروارها شعار، که بیشتر زائیده احساسات دوره‌ای خاص از تاریخ اجتماعی و سیاسی هر ملتی است، تنها آن پاره‌ها بیاد میماند که از آن شاعران واقعی است؛ زیرا این شاعران راستینند که در دوره‌های بعد نیز همچنان به نوشتن ادامه میدهند. چنانکه از میان بسیار شعاردهندگان آن سالها، فقط شاملو و امید و یکی دو شاعر دیگر بودند که به‌نسبت و با اتکا به اصالت و با توجه به تجربیات تدریجی خویش، علاوه بر اینکه هر یک در خط خاص خود به تعریف شعر نزدیک شدند، نیز رفته‌رفته از سطح چنان شعارهای معمول به ژرفای مسائل اجتماعی و عمق مفهوم شکست پی بردند و آن‌گاه با کوشش در گسترش شعر خویش در جهت فلسفه‌ای خاص نائل آمدند. از اینجاست که میتوان به محتوای شعر شاملو در دو دوره شاعری او یعنی دوره بحرانی و دوره آرامی چشم دوخت» (شعر زمان ما، حقوقی، ج ۱: صص ۳۰-۳۱). ادبیات تسکین روح است و در این برهه‌های بحرانی و نبود اجباری گفتمانهای تازه فکری، چه اندیشه‌ای بهتر از اندیشه آزادی‌خواهانه، مبارزه‌طلبانه و صلح‌جویانه شاملو و چه شعری بهتر از شعر متعهد و انسانی او؟ بنظر میرسد گسترش موضوعات و مفاهیم اجتماعی چون آزادی، عدالت و برابری اجتماعی و نیاز بیشتر مردم بدانها و نیز شرایط اجتماعی موجود که از دهه‌های پیش بدتر هم شده است، نظر منتقدان را به شاملو جلب کرده است؛ زیرا شعر شاملو، شعر معترضانه و متعهدانه است و اصولاً در دنیای امروز این نوع شعر مخاطبان بیشتری را جذب میکند.

از دیگر عوامل مرکز توجه قرار گرفتن شاملو در نقد، زبان شعری اوست. شاملو با استفاده از رمزگرایی، ترکیب زبان ترجمه‌ای تورات و نثر فارسی قرون پیشین، در شعرش «فضایی چنان فریبا خلق کرده است که حتی روشنفکران و تحصیل‌کردگان را نیز از توجه به دیگر فضاها باز میدارد. فضایی که بیشتر عمومی و اجتماعی است و در پهنه

جهانی آن، تنها صدای گامهای همیشه انسانی به گوش میرسد که آمیزه‌ای است از حماسه و عشق. انسانی که صدای نبض و قلبش فریاد هشداری بیداری و آوای عاشقانه زندگی است و از همین روست که خوانندگان بسیار دارد» (همانجا). در شعر معاصر ضعفهایی از قبیل افراط در چینش جدولی واژه‌ها و برهم زدن نظام خانوادگی کلمات، کاربرد کلیشه‌های زبانی، استفاده از زبان همانند ابزاری برای نابود کردن هنجارهای گذشته، «آسیبیهایی جدی به قلمرو زیباشناسی شعر معاصر ایران در محدوده معنایی زبان وارد ساخته است؛ تا بدانجا که برخی با این توجیه که شعر امروز، توان برقراری ارتباط با مخاطبان را ندارد، از خواندن آن طفره می‌روند. به اعتقاد آنان، شعر معاصر ایران با وجود گستردگی و آزادی عمل شاعران پس از نیمایوشیج، گاه بستر دست‌اندازی در ساحتی شده که سرمنشأ برخی از عوارض زبانی همچون ابهام و نارسایی در کلام شاعرانه گشته و گاه آن چنان گرفتار جمود در موقعیتهای آرکائیک زبان شده که اصل خلاقیت را بکلی فراموش کرده است» (درآمدی بر آسیب‌شناسی شعر معاصر...، کیانی و همکاران: ص ۳۸). در نقدها و پژوهشهای مورد بررسی درباره شاملو دیده میشود که قریب به اتفاق منتقدان در تلاشند شاملو را از جهات مختلف مورد تأیید و تمجید قرار دهند و دلیل آن، اینک: شاملو برجسته‌ترین شاعر معاصر است که نظام زبان (یعنی دایره واژه‌های و ترکیب و چینش آنها) را هم در حوزه واژه و هم در حیطه معنا رعایت کرده است و با نوگرایی و هنجارگریزی‌های بجا و شایسته، از واژه‌ها و ترکیبات بگونه‌ای در بافت شعر بهره گرفته است که موجب ارتقای زبان فارسی نیز بوده است؛ بدین صورت که هم دایره واژه‌ها را توسعه داده و هم با ترکیبات تازه به حوزه معنایی آن واژه‌ها افزوده است و این کاری است که تنها از عهده شاعران حقیقی و برجسته برمی‌آید.

دست‌یافتن شاملو به فراهنجاری معنایی در شعر هم دلیل دیگر اقبال به نقد شعر و زبان شعری او میتواند باشد؛ بدین ترتیب که در شعرهایش مضامین اجتماعی و عاشقانه، ناامیدی و امید، مرگ و زندگی و ... با هم آمیخته است؛ او با استفاده از ذهنیت تخیلی خود و برهم زدن قواعد معنایی شعر، درونمایه شعری را غنی کرده است؛ کاری که حافظ (شاعر مورد تحسین شاملو) سده‌ها پیش از این با قالب غزل کرد، شاملو با قالب شعر نو کرده است. در هر شعر او میتوان دو یا چند مضمون را یافت که بگونه‌ای هنرمندانه و بی‌نظیر و در نهایت ظرافت به هم ربط داده شده‌اند و این بخاطر ذهنیت هنری و درعین‌حال متعهدانه شاعر است که دغدغه‌های ذهن نکته‌سنج و حساس خود را در قالب شعر سپید بیان کرده است، بدون آنکه به زبان شعری آسیب بزند؛ هنری که دیگران یا بدان دست نیافته یا اگر دست یافته‌اند به پای شاملو نرسیده‌اند و امثال این، شاملو را به شاعری تکرارنشدنی در نظر مخاطبان و منتقدان شعر نو تبدیل کرده است.

در نقدهای صورت‌گرفته بر شعر و اندیشه شاملو، در دهه هشتاد ۴۰٪ و در دهه نود ۲۱٪ نقدها بلاغی بوده است که بنظر میرسد رتوریک خاص شاملو در گزینش این نوع نقد بی‌تأثیر نبوده است. حقوقی معتقد است «شعر شاملو سهل و ممتنع است و او با داشتن امکاناتی چون آشنایی با نثر گذشته، عبور از امکانات شعر نیمایی، تجربه قافیه و سجع، وقوف بر قابلیت‌های زبان عامیانه، عمومی و کوچه‌بازار، آشنایی با نوسانات موسیقی کلاسیک و نو غربی، و آشنایی با شعر جدید جهان، توانسته است به این زبان سهل و ممتنع دست یابد» (طلا و مس، براهنی: ص ۱۸۷۷). سهل و ممتنع بودن اشعارش، موجب روی آوردن شاعران و علاقه‌مندان به شعر او گشته و بسیاری از جوانان و نوجوانان به سرایش شعر سپید روی آورده‌اند؛ درحالی‌که نه از تجربیات شاملو و نه از قدرت شاعری او بحد کافی برخوردارند. بنظر میرسد علت اینکه منتقدان ادبی و پژوهشگران با نقدهای بلاغی، سعی در یافتن زیروهم و چم‌وخیم شعر او داشته‌اند نیز همین سهل و ممتنع بودن زبان شعری و اقبال علاقه‌مندان به سرودن امثال چنین اشعاری

است. شفيعی کدکنی در کتاب *با چراغ و آینه* گفته است: شاملو توانست فرمی نو از شعر پارسی ارائه دهد که بی قیدِ قافیه و عروض، بتواند حرف جدیدی برای گفتن داشته باشد. آنچه شاملو به شعر فارسی هدیه کرده این است که توانسته رتوریک شعر فارسی را دگرگون کند. صورت‌گرایان روسی رتوریک را جهان شعری مینامند و جهان شاعری هر شاعری عبارت است از نظام تغییرناپذیر مایگانها و شیوهٔ رئالیزه شدن آنها در شاکلهٔ اجزای متن» (با چراغ و آینه، شفيعی کدکنی: ۵۱۶) از نظر شفيعی کدکنی، شاملو یکی از نوادر شعر قرن بیستم و زبان فارسی است. حق این است که شعر شاملو را برای نسل جوان امروز باید تجزیه و تحلیل کرد که ممکن است در این تجزیه خیلی از محسنات او تبدیل به نقاط ضعف شود. به هر حال گزیری نیست و این کار را آیندگان با بیرحمی خواهند کرد (همانجا). در نقدهای بلاغی صورت گرفته بر شعر شاملو، تقریباً همهٔ منتقدان در پی یافتن و اثبات نشانه‌های بلاغت در شعر او بوده‌اند و هیچ‌یک از هنجارگریزهای زبانی و معنایی و ادبی را حمل بر نقطهٔ ضعف او نکرده‌اند. این رویکرد در دههٔ نود کاهش چشمگیری یافته است.

در دههٔ نود میل به تطبیق و مقایسهٔ شعر و اندیشهٔ شاملو با دیگر شاعران جهان در بین منتقدان و پژوهشگران بیشتر میشود، بطوریکه بیشترین میزان نقد در این دهه به نقد تطبیقی (۳۵٪) اختصاص دارد و این بدلیل فراگیری شدن رویکرد نقد تطبیقی در جهان است. ادبیات تطبیقی یکی از کهنترین حوزه‌های تحقیقات ادبی است و بطور سنتی به حوزه‌ای از پژوهشهای ادبی نسبت داده میشود که در آن آثار ادبی از دو زبان و ملیت متفاوت با یکدیگر مقایسه میشوند و تأثیر یکی بر دیگری یا شباهتها و تفاوتهاشان بررسی میشود. اما در دهه‌های اخیر، نظریه‌های نو و اتفاقات فرهنگی و اجتماعی سبب شده است که در این حوزه تغییر و تحولی بوجود آید. از سویی نظریه‌هایی چون روایت‌شناسی، نشانه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، پسااستعمارگرایی و پسااستعمارگرایی و رویکردهای بینامتنیتی، روشهای نوینی در تطبیق و مقایسهٔ ادبی معرفی کردند و نگاه تأثیر و تأثری سنتی در ادبیات تطبیقی را بچالش کشیدند. از سوی دیگر، مهاجرتهای عظیم و بحث جهانی شدن، موجب دگرگونی در مفهوم هویت ملی شد؛ بنابراین در ادبیات دیگر مفهوم ملیت، اهمیت سابق را ندارد.

در نقدهای تطبیقی انجام شده (مورد مطالعه)، معمولاً سعی بر آن بوده است شباهتهای شعری و اندیشگی شاملو با هم‌تایانش در ملیتهای دیگر، کشف و بعنوان یافته‌های جدید مطرح شود که بیانگر نوعی رویکرد به نقد تطبیقی و مربوط به مقولهٔ «جهانی‌سازی است که در همه‌جا، ارزشها و نظام یکسانی از تبادیل را مطرح میکند» (BASSNETT: 3-4). خاستگاه و هدف ادبیات تطبیقی، فرارفتن از محدودنگری برای مشاهدهٔ فرهنگها و ادبیاتهای گوناگون در کنار هم بصورت چندآوایی است» (SAID: 49). ادبیات تطبیقی بدنال یافتن چشم‌اندازی است که در آن ذات‌انگاری مفاهیم ملیت، فرهنگ و هویت بازتاب نیابد؛ اما در هزارهٔ سوم رویکرد آن تغییر کرده و در پی این است که با روا دانستن تفاوتهای فرهنگی، زمینهٔ انتشار معنا را فراهم کند؛ لازم به ذکر است که ادبیات تطبیقی نو، به اقلیتهایی که کمتر میپردازد و ملت‌های استقلال‌یافته دورهٔ پسااستعماری نوین و جهان اسلام در حوزهٔ مطالعات آن قرار میگیرند. برخلاف نقد تطبیقی پیش از این (سنتی) که محدود به چند کشور اروپایی بود. در جدول شمارهٔ ۸ مشاهده میشود که در پژوهشهای دههٔ نود، رویکرد تطبیقی به نقد، با بسامد حدوداً ۳۵٪ بیش از دیگر نقدهاست. در این نوع نقد، پژوهشگران کوشیده‌اند آثار شاملو را با آثار شاعران معاصر دیگر کشورها بخصوص کشورهای حوزهٔ خاورمیانه، مقایسه و اشتراکات فکری، اجتماعی و زیبایی‌شناسانه را استخراج کنند. در این بررسیها، شعر و اندیشهٔ شاملو با شاعرانی چون تی. اس. الیوت، برشت، ییتس، ناظم حکمت، نزار قبانی، آدونیس، شیرکو بیخس و... مقایسه شده است. برخی از این مقالات، شعر دو شاعر را بر اساس یک گفتمان خاص، نقد و بررسی

کرده‌اند که بسیار حائز اهمیت است. از جمله اینگونه نقدها میتوان به این موضوعات اشاره کرد: تحلیل اگزستانسیالیستی شعر شاملو و آدونیس (خواننده‌محور و تطبیق)، وجه زنانه نمادها در شعر شاملو و عبدالوهاب (فمینیستی و تطبیقی)، دیگرگرایی در هوای تازه و اباریق مهشمه (اخلاقی و تطبیقی)، تحلیل تطبیقی اشعار اجتماعی برشت و شاملو (اجتماعی و تطبیقی)، کارکرد محوری نقاب دینی در شعر شاملو و آدونیس (بلاغی و تطبیقی) و... که نگارنده همه نقدهای تطبیقی را ذیل دسته نقد تطبیقی قرار داده است که در زمره نقد تطبیقی نوین قرار میگیرند زیرا «مطالعات تطبیقی با پشت سر گذاشتن دیدگاه سلسله‌مراتبی (چه از دید ملیت، زبان و گفتمان قدرت و چه از دید تقدم زمانی) بسوی نقد شبکه‌ای حرکت میکند که تنها در آن شبکه است که متون ادبی دلالت‌پردازی میکنند. مطالعات تطبیقی نوین، حوزه هم‌سنجی متون (همه فرهنگها و نه تنها ادبیات معیار اروپا محور) در مناسبات بینا فرهنگی، بینارسانه‌ای، و میان‌رشته‌ای است که با بکارگیری روشهای نقد بینامتنی و گفتگومندی (از قبیل پس‌اساختارگرایی، مطالعات فرهنگی، روایت‌شناسی، تحلیل گفتمان، هویت جنسی و...) به بازخوانی متون و کنشهای دلالت‌مندی آنها در دو محور هم‌زمانی و در زمانی (در یک زمان خاص و در طی تاریخ) میپردازد (بسوی تعریفی تازه از ادبیات تطبیقی و نقد تطبیقی، نجومیان: ص ۱۳۵).

پس از نقد تطبیقی، نقد ساختارگرا از نقدهای پربسامد در دهه نود است. «ساختارگرایی چنان که از نامش برمی‌آید به ساختارها میپردازد و بویژه آن دسته از قوانین کلی را بررسی میکند که بر ساختارها حاکمند» (پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، ایگلتون:) و «تحلیل ساختگرایانه بر آن است تا مجموعه قوانین شالوده‌ای ناظر بر ترکیب این نشانه‌ها و رسیدن به یک معنا را استخراج کند. چنین تحلیلی تا حدود زیادی به آنچه نشانه‌ها واقعاً میگویند کاری ندارد و به جای آن، بر روابط درونی آنها با یکدیگر تأکید میورزد. بگفته فردریک جیمسون، ساختگرایی بازاندیشی درباره همه چیزها از دیدگاه زبان‌شناسی است. این مکتب گویای این واقعیت است که زبان همراه با مسائل، رازها و پیامدهای آن به نمونه اعلا و نیز وسواس حیات روشنفکری قرن بیستم تبدیل شده است» (همانجا). در نقدهای صورت گرفته بر شعر شاملو نیز بنظر میرسد این نگرش بتنهایی کافی و وافی به مقصود نبوده است. مثلاً در بررسی کاربردشناسانه نمادها یا عناوین اشعار یا کهن‌الگوها از دید ساختگرایانه، با وجود اثبات کاربرد مؤلفه‌های ساختارگرایی در نقد اشعار شاملو، استدلالها برای خواننده قانع‌کننده و کافی نیست و استفاده از مؤلفه‌های دیگری چون شرایط فرهنگی، روانی، تجربه شاعر و... میتواند به شناخت دقیق‌تری از شعر شاملو کمک کند. از آنجاکه نظریه ساختارگرایی از مکتبهای مهم ادبی در نیمه دوم قرن بیستم است، مورد توجه محققان، نویسندگان و منتقدان ایرانی قرار گرفته است اما در برخی از این نقدها، محقق تلاش میکند مؤلفه‌ها را با متن تطبیق دهد و گاه این‌دست نقدها نتیجه‌ای چشمگیر و برجسته نداشته‌اند. دیدگاه تک‌بعدی این نظریه و نادیده گرفتن تأثیر عوامل بیرونی بر متن، موجب ظهور مکتبهای بعدی چون تاریخ‌گرایی نوین شد.

یکی از رویکردهای مهم مقالات دهه هشتاد به این صورت بوده است که مؤلفه‌های ایدئولوژیک را از متن استخراج و بر اساس آن نتیجه گرفته‌اند که شاملو خدا‌باور، انسان‌باور، علاقه‌مند به آیین ترسایی و یا دارای گرایشهای عرفانی است که نگارندگان این نوع نقدها را در دسته نقد واساختی قرار میدهند. در نقد واساختی «یک دال، به زنجیره‌ای از دال‌ها در ذهن ارجاع میدهد و هر دال آن زنجیره، زنجیره‌ای از دالها را به ذهن شنونده متبادر میکند و به همین ترتیب الی آخر. بنابراین زبان عبارت است از زنجیره‌ای از دالها» (نظریه‌های نقد ادبی معاصر، تاپسن: ص ۴۱۱). در

نقدهای واساختی بر شعر و اندیشه شاملو، بنظر میرسد منتقدان، شاملو را از دید خود و بنابر ذهنیت خود نگریسته‌اند و بر اساس پاره‌ای نشانه‌زبانی به نتیجه قطعی درباره عقاید درونی شاملو رسیده‌اند که برخی به واقعیت نزدیک و برخی از آن دور است.

نقد خواننده‌محور، که از نقدهای مطرح در دهه‌های پایانی قرن بیست بیستم است، نیز مورد توجه شاملو پژوهان بوده است. بسامد این نوع نقد در دهه نود با بسامد ۹,۳۰٪ در دهه چهارم نقدهای این دهه قرار دارد. نقد خواننده‌مدار یا نظریه واکنش خواننده، از آرای هوسرل نشئت گرفته و پدیدارشناسی او و آرای هرمنوتیک در رشد و گسترش آن تأثیر فراوان داشته است؛ بنابراین هر نوع تأویل و نگاه پدیدارشناسانه و هرمنوتیک به اشعار و آثار شاملو نیز در این مقوله جای میگیرد. یکی از دستاوردهای هرمنوتیک و نقد خواننده‌محور، هم‌سنجی دریافت یک متن در دوره‌های متفاوت است یعنی اینکه چگونه یک متن در دوره‌های مختلف فهمیده میشود و این رویکرد بر آن است که هر کنش خواندن متن، متنی نو میسازد؛ بنابراین ارزش هر اثر ادبی در این است که توان بازخوانی در زمینه‌های جدید را داشته باشد. بقول ریفاتر آن گاه متنی را ادبی میخوانیم که در میان ازبین رفتن مسائل، سببها و خاطره مربوط به موقعیتها، همچنان باقی بماند و سر برآورد (Riffaterr نقل از نجومیان: همانجا). رویکرد نقد خواننده-محور به اشعار و اندیشه‌های شاملو، نشان داده است که شعر شاملو توان بازخوانی از منظرهای مختلف را دارد و با ظهور نقدها و نظریه‌های جدیدتر، جنبه‌های تازه‌تری از آن کشف میشود و این مسئله بیانگر این است که شعر شاملو چندمعنایی است و دارای ظرفیتهای ادبی بسیاری است. همین چندوجهی بودن را از منظر «نمادسازی» بلیچ که نگاه کنیم، تا حدودی به علت رویکرد به نقد و نظریه واکنش خواننده پی میبریم (برای مطالعه بیشتر: نظریه‌های نقد ادبی، تایسن: ص ۲۸۳).

دیگر انواع نقد بر شاملو، شامل نقدهای فمینیستی، روانکاوانه و اسطوره‌گرا بسامد کمی دارد و بقدری محدود است که درخور توجه نیست و نشان میدهد این نوع نقدها در شعر و اندیشه شاملو، اهمیتی برای منتقدان نداشته و یا این‌گونه اندیشیده شده که هرچه لازم است، پیش از این، بیان شده و تبیین دوباره آنها کلیشه و فاقد نوآوری است. در نقدهای فمینیستی بیشتر مطالب عرضه‌شده در مقالات حول محور ویژگیهای زن، نمادهای زنانه و عشق در آثار و اندیشه‌های شاملو میچرخد. از دلایلی کمی این‌گونه نقد، تنوع گرایشهای آن، برداشتهای متفاوت و متناقض از آن و نیز پیامدهای آن است. فمینیسم از دستاوردهای نظام سرمایه‌داری و پیامد تمدن جدید غربی محسوب میشود که بر آزادی حقوق زن، رفاه نسبی زنان، افزایش فرصتهای سیاسی و اجتماعی آنان و... تأکید دارد. از آنجاکه اساساً مکتبی جامعه‌شناسی و تا حدودی سیاسی است و مؤلفه‌های بسیار دارد، تنها آن دست از موضوعاتی که به اهمیت مکان زن میپردازند، آن‌هم در حدی که مطابق عرف جامعه ایرانی باشد، وارد حیطه نقد ادبی میشود؛ بنابراین کمی نقدهای فمینیستی بر اشعار شاملو، مقوله‌ای دور از انتظار نیست. بویژه با وجود فضای فرهنگی و اجتماعی حاکم (فرهنگ ایرانی - اسلامی) که حقوق زنان را در چارچوب قوانین دین و عرف، مراعات شده میدانند و مکتبهای غربی چون فمینیسم را نفی و رد میکنند. نقد روانکاوانه نیز که به بررسی کهن‌الگوها در آثار ادبا میپردازد، خیلی زود در ایران به کلیشه تبدیل شد و چند کهن‌الگوی بارز که در شعر هر شاعر ممکن است وجود داشته باشد استخراج و واکاوی شده و پس از آن سخن تازه‌ای در این مورد بمیان نیامده است. البته مقاله‌های «عشق لکانی در شعر شاملو» و «عشق پدرانه در شعر شاملو و...» در این زمینه به نکات تازه‌ای هم اشاره کرده‌اند که جالب توجه است. در نقدهای اسطوره‌گرا نموده‌های اساطیری در شعر شاملو مورد توجه بوده است که مهمترین مسئله در این زمینه، برخورد خاص شاملو با اسطوره‌ها و نوعی اسطوره‌شکنی و اسطوره‌سازی است و بنظر میرسد منتقدان شاملو،

غیر از این موضوع، مطلب تازه‌ای برای گفتن نیافته‌اند؛ زیرا اساطیر شعر شاملو پیش از این استخراج و درمورد آنها بررسی‌هایی صورت گرفته است.

کتابها: در کتابهای زیادی به نقد، تحلیل و مرور شعر و اندیشه و زندگی شاملو پرداخته شده است که برخی از این آثار، مستقلاً به شاملو اختصاص دارد و برخی بصورت جزئی و در بخشی از مطالب به شاملو پرداخته‌اند. از آنجاکه پژوهش حاضر به طبقه‌بندی نقد می‌پردازد، صرفاً به آثاری مراجعه نموده است که دربردارنده نقد نظری و آکادمیک هستند؛ بنابراین کتب تاریخی و مروری را که به مرور زندگینامه، سرگذشت و ذکر تاریخ شعر و شاعران معاصر پرداخته‌اند، دربر نمی‌گیرد (آثاری چون تاریخ تحلیلی شعر نو از شمس لنگرودی، ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سلطنت از شفیعی کدکنی، جویبار لحظه‌ها از محمدجعفر یاحقی، از نیما تا روزگار ما از یحیی آرین‌پور، چشم‌انداز شعر معاصر ایران از مهدی زرقانی، کارنامه ادبی ایران از فؤاد فاروقی، دریچه‌ای به دنیای شعر فارسی از خسرو شافعی، ادیسه بامداد از پرهام شهرجردی، تأملی در ادبیات امروز از عباس باقی‌نژاد، شعر معاصر ایران تا انقلاب از صابر امامی و بسیاری آثار دیگر از این دست). همچنین آثاری که به سبک‌شناسی شعر، جمع‌آوری و تدوین نظرات منتقدان و محققان درباره شاملو، تحلیل یک موضوع در شعر شاملو و مانند آن، که از ساختار و حوزه نقد ادبی خارج شده و به تحقیقات مروری پرداخته‌اند، از حیطه و حوصله پژوهش حاضر خارج است (آثاری چون چشمه روشن از غلامحسین یوسفی، آینه بامداد از جواد مجابی، چنین گفت بامداد خسته از محمد قراگوزلو، سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو و...)

فهرست آثار منتقدان شاملو و نوع نقد آنها، در جدول زیر تدوین شده است:

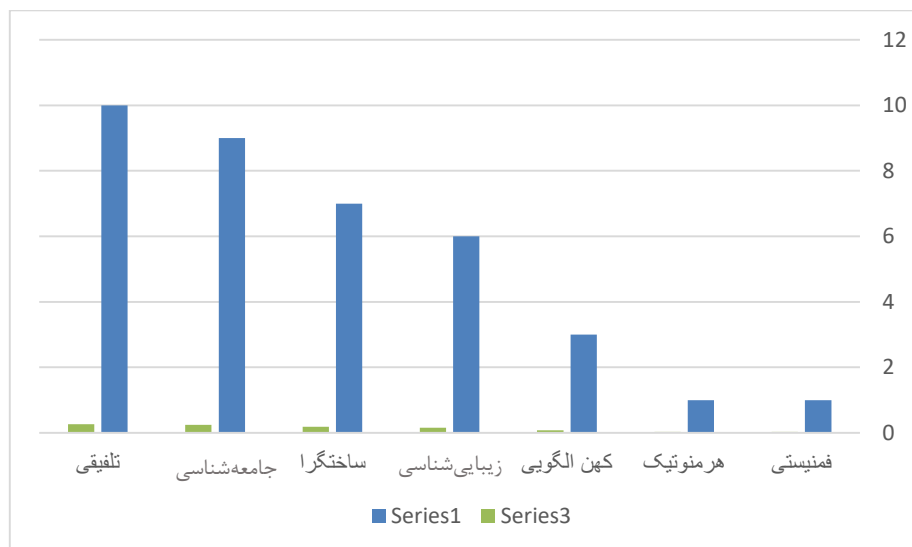
نویسنده	نام اثر	نوع نقد
۱ آتشی منوچهر	شاملو در تحلیلی انتقادی	تلفیقی
۲ ارجمند بهمن	لغت جاودانه: خوانش ده شعر شاملو	ساختگرا
۳ آزاد پیمان	در حسرت پرواز	تلفیقی
۴ براهنی رضا	خطاب به پروانه‌ها: چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم	زیبایی‌شناسی
۵ براهنی رضا	طلا در مس	تلفیقی
۶ برزگر خالقی و عابدی	تصویرها و توصیفها در شعر معاصر ایران	زیبایی‌شناسی
۷ بنی‌اسد رحمت	توالی فاجعه، زمینه اجتماعی شعر احمد شاملو	جامعه‌شناسی
۸ پاشایی علی	از زخم قلب	ساختگرا
۹ پاشایی علی	انگشت و ماه	ساختگرا
۱۰ پاشایی علی	نام همه شعرهای تو (زندگی و شعر احمد شاملو)، ۳ جلد	ساختگرا
۱۱ پرهیزکاری سعید	سنگ بر دوش: تحلیلی بر آشنایی‌زدایی در شعر شاملو	زیبایی‌شناسی
۱۲ پورنامداریان تقی	سفر در مه	ساختگرا
۱۳ ترابی ضیاءالدین	بامدادی دیگر: نگاهی تازه به شعر احمد شاملو	زیبایی‌شناسی
۱۴ جم‌زاد الهام	آنیما در شعر شاملو	کهن‌الگویی
۱۵ حسن‌لی کاووس	گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران	زیبایی‌شناسی

۱۶	حصوری علی	زبان فارسی در شعر امروز	جامعه‌شناسی
۱۷	حقوقی محمد	شعر زمان ما	زیبایی‌شناسی
۱۸	خرمشاهی بهاء‌الدین	نبض شعر	ساختگرا
۱۹	خیام مسعود	احمد شاملو عکس فوری	تلفیقی
۲۰	خیام مسعود	احمد شاملو، چهره‌ای دیگر	تلفیقی
۲۱	درخشان صدف	عبور از آینه، بررسی تطبیقی آنیما در اشعار احمد شاملو	کهن‌الگویی تطبیقی
۲۲	دستغیب عبدالعلی	نقد آثار شاملو	تلفیقی
۲۳	روزبه محمدرضا	شرح، تحلیل و تفسیر شعر نو فارسی	هرمنوتیک
۲۴	سلاجقه پروین	امیرزاده کاشیها	تلفیقی
۲۵	شفیعی کدکنی محمدرضا	موسیقی شعر	ساختگرا
۲۶	شفیعی کدکنی محمدرضا	با چراغ و آینه	تلفیقی
۲۷	شیراوند محمدطاهر	اسیر سیاست، بررسی انتقاد و اعتراض در آثار احمد شاملو و فروغ فرخزاد	جامعه‌شناسی
۲۸	فرخزاد پوران	مسیح مادر	کهن‌الگویی
۲۹	قراگوزلو محمد	نازلی سخن نگفت	جامعه‌شناسی
۳۰	قراگوزلو محمد	همسایگان درد؛ درآمدی به گفتمان اجتماعی در شعر و اندیشه سعدی، حافظ، فرخی یزدی، نیما، شاملو، اخوان، فروغ	جامعه‌شناسی
۳۱	قراگوزلو محمد	تاریخ تلخ به روایت احمد شاملو	جامعه‌شناسی
۳۲	کمالی‌زاده محمد	سیاست در شعر نو	جامعه‌شناسی
۳۴	محمدکاظم اشکوری	نگاهی به آثار چهار شاعر معاصر	تلفیقی
۳۵	مختاری محمد	انسان در شعر معاصر	جامعه‌شناسی
۳۶	نوری‌زاد محمد	چهار افسانه شاملو: نگاهی به چهار شعر عامیانه احمد شاملو	زیبایی‌شناسی
۳۷	یزدانی زینب	زن در شعر	فمینیستی

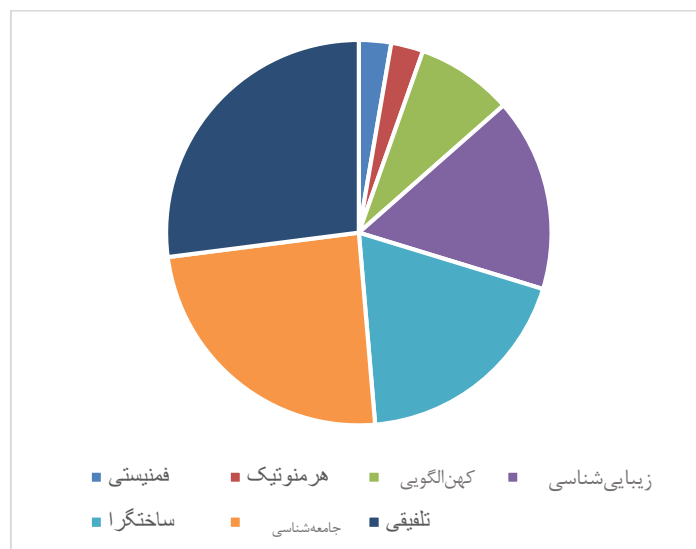
طبقه‌بندی انواع نقد

نتایج بدست‌آمده در جدول و نمودار زیر نشان داده شده است.

تلفیقی	جامعه‌شناسی	ساختگرا	زیبایی‌شناسی	کهن‌الگویی	هرمنوتیک	فمینیستی
10	9	7	6	3	1	1
27/03%	24/32%	18/92%	16/22%	8/11%	2/70%	2/70%



نمودار فراوانی انواع نقد در شکل زیر نشان داده شده است.



تحلیل چرایی بسامد انواع نقد

مطابق نتایج بدست‌آمده از نمودارها نشان می‌دهد، نقدهای تلفیقی، جامعه‌شناسی، ساختگرا و زیبایی‌شناسی از بیشترین بسامد برخوردارند و مورد استقبال منتقدان آرا و اشعار شاملو قرار گرفته‌اند.

نقد تلفیقی (بسامد ۲۷٪): این دسته نقدها (که اغلب رویکرد سنتی به آثار و اندیشه‌های شاملو داشته‌اند) از این رو تلفیقی نام گرفتند که رویکرد نظری خاصی را دنبال نمیکنند و اغلب فارغ از نظریه‌های نوین نقد ادبی، به تحلیل اشعار و افکار شاملو پرداخته‌اند. بنابراین در آنها هم نشانه‌های نقد زیبایی‌شناسی هست، هم نقد جامعه‌شناسی، هم دربارهٔ زبان و موسیقی در شعر او سخن گفته‌اند و هم به افکار اجتماعی- فلسفی و ایدئولوژیک، هم به ساختار و فرم و هم به محتوای شعر نظر دارند. ازاینرو تلفیقی از چند نوع نقد بشمار می‌روند. علت فراوانی این رویکرد که حدوداً ۲۷ درصد آرای منتقدان را شامل می‌شود و بیشترین بسامد را دارد، از نظر نگارنده از دو عامل زیر پیروی میکند:

۱. برخی منتقدان، پیش از فراگیر شدن نقد آکادمیک، آثار خود را خلق کرده‌اند یا هنوز با شیوه‌های نوین نقد و نظریه‌های معاصر جهان آشنایی نداشته‌اند؛ بنابراین بشیوه سنتی اثر خود را ارائه داده و اشعار و افکار شاملو را از دیدی همه‌جانبه مورد نقد قرار داده‌اند؛ به این صورت که معایب و محاسن شعر شاملو را در ترازوی نقد گذاشته‌اند.

۲. برخی منتقدان این حوزه، تحصیلات دانشگاهی در زمینهٔ ادبیات ندارند و از ارادت‌مندان و دوستان شاملو هستند که احتمالاً از سر ادای دین به شاعر، به ارائهٔ اطلاعاتی که از وی نزد خود داشته، مبادرت کرده‌اند. و در خلال نقد، به شرح احوال و افکار او پرداخته و سخنانی که در مصاحبت با شاعر، از وی شنیده‌اند را نقل کرده، با توجه به شناختی که از او داشته‌اند، برخی اشعار او را شرح و تفسیر نموده‌اند. از آنجاکه آرای این دسته از منتقدان نیز بر مبنای رویکرد خاص نظری نبوده، جزو نقد تلفیقی بشمار رفته است.

نقد جامعه‌شناسی: نقد جامعه‌شناسی ادبیات، یکی از شیوه‌های نسبتاً نوین در مطالعات ادبی است که به بررسی ساختار و محتوای اثر ادبی و ارتباط آن با ساختار و تحولات اجتماعی جامعه‌ای که اثر مولود آن است، می‌پردازد. آنچه در نقد جامعه‌شناسی ادبیات اهمیت شایانی دارد، انعکاس تصویر جامعه در جهان تخیلی و هنری اثر ادبی است. در بین آرای منتقدان شاملو، نقد جامعه‌شناسی با بسامد تقریبی ۲۴ درصد، از مهمترین رویکردهای منتقدان بوده است. از نظر نگارنده، چرایی این رویکرد را میتوان در عوامل ذیل خلاصه نمود.

شرایط اجتماعی ایران در دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰

کشور ایران در دورهٔ حکومت پنجاه سالهٔ پهلوی (مقارن با سالهای شکوفایی و اوج گرفتن شاملو)، دوران مهمی از گذار و تحول را پشت‌سر مینهاد و شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصی داشت که منجر به ظهور مخالفان و شکل‌گیری مبارزات سیاسی و درنهایت انقلاب ۱۳۵۷ شد. با اینکه حکومت‌های پیشین، همه سلطنتی و استبدادی بودند، با توجه به رشد و تحولات منطقه‌ای و تغییر تفکر جامعه و ظهور قشر روشنفکر، مسائل اجتماعی و سیاسی فراوانی رقم خورد که نمود آن در ادبیات این سالها دیده میشود و اشعار شاملو یکی از مهمترین آثار منعکس‌کنندهٔ واقعیات، مصائب و مشکلات جامعه در این دوران است. با توجه به حوادث و وقایع این دوران، عرصهٔ سیاسی- اجتماعی کشور ایران، در طول این سالیان، صحنهٔ مبارزات و مخالفتها و جنبشهای آشکار و نهان بوده است و چندین تحول مهم سیاسی را برتافته است. از جمله جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن، کودتای ۲۸ مرداد و خفقان پس از آن، انقلاب سفید شاه و استبداد مطلق، اصلاحات ارضی و درنهایت انقلاب اسلامی. کمتر اثر و مؤلفی میتواند در چنین شرایطی، از تأثیر محیط دور مانده باشد و از آنجاکه شعر و ادبیات مهمترین تجلیگاه

تحولات اجتماعی-سیاسی است، نمود آن در آثار شاملو، که متعهدترین و متعصبترین چهره ادبی آن روزگار بوده است، دیده میشود؛ در شرایطی که حکومت نظامی با ارباب و اختناق، تعقیب و شکنجه و اعدام مخالفان و مبارزان، تدابیر امنیتی ساواک در کنار استبداد سیاسی، جوی تاریک و ظلمانی را رقم زده بود، شاملو، که خود را مبارزی صاحب‌قلم میدید، به زیبایی شرایط جامعه را در اشعارش منعکس کرد؛ بنابراین بارزترین مختصه شعر او انعکاس شرایط اجتماعی روز است و همین راه را برای منتقدان علاقه‌مند به نقد جامعه‌شناسی هموار و آسان کرده است. این‌دسته نقدها در آثار شاملو انعکاس شرایط اجتماعی-سیاسی-اقتصادی و... روز را می‌جویند و میکوشند درکی جامعه‌شناسانه از تأثیر اجتماع بر ادبیات ارائه دهند.

تعهد اجتماعی شاملو در شعر

در اینکه شاملو شاعری اجتماعی و به هنر متعهد، معتقد است شکی نیست. او همه جا در سخنانش از شعر متعهد و غم جامعه دم می‌زند با اینکه در گفتارها و مصاحبه‌هایش، سخن متناقض کم نیست اما جانمایه حرفش، تعهد اجتماعی است. در یکی از این مصاحبه‌ها گفته است: «ممکن است بقال کالایی را بفروشد که خودش آن را دوست نداشته باشد اما شعر که کالا نیست. شاعر حرف دلش را می‌زند. سخنی که از او می‌شنوید پیام جان اوست... وقتی سنگفرشها غرق خون است و از همه طرف صدای گلوله می‌آید کدام ابلهی مینشیند با ماه رازونیز کند و اگر کرد، کی می‌ایستد برایش کف بزند؟» (امید ایران، مرداد ۱۳۵۸).

خصلت بارز و پایه و مایه اصلی شعر شاملو، عواطف ناشی از تأثرات اجتماعی است. کمتر شعری از او می‌بینیم که اثری از دردهای مردم و فضای مسلط بر جامعه در آن نباشد. شعر او صدای درگیری وسیع با رویدادهای روز است، بی‌آنکه در انعکاس این صداها، قصد جستن نام داشته یا به تظاهر، تکلیفی بر خویش نهاده باشد. دید واقع‌بینانه او به اجتماع، دردها و بیعدالتیهای مسلط بر مردم، نتیجه مستقیم زندگی و تجربه‌های اوست. شاملو درباره این ویژگی شعرش گفته است: «من اگر انسان باشم، نمیتوانم از درد شما غافل باشم، توی عاشقانه‌ترین شعرهای من یک عقیده اجتماعی پیدا میشود. برای اینکه من دور از جامعه‌ام نیستم. تخته پرش من حس کردن جامعه است» (قراگوزلو، ۱۳۹۷). او شاعری اجتماعی است و اجتماعی‌اندیشی او بدی است که میگوید: «من خویشتانم نزدیک هر انسانی هستم که خنجری در آستین پنهان نمیکند، نه ابرو به هم میکشد، نه لبخندش ترفند تجاوز به حق و نان و سایبان دیگران است. نه ایرانی را به انیرانی ترجیح میدهد و نه انیرانی را به ایرانی. من یک لُر بلوچ کرد فارسم. یک فارس‌زبان ترک. یک افریقایی اروپایی استرالیایی آمریکایی آسیاییم. یک سیه‌پوست سرخ‌پوست سفیدم که نه تنها با خودم و دیگران کمتر مشکلی ندارم، بلکه بدون حضور دیگران وحشت مرگ را زیر پوستم حس میکنم. من انسانی هستم در جمع انسانهای دیگر بر سیاره مقدس زمین که بدون دیگران معنا ندارد» (قراگوزلو، ۱۳۸۲).

مهمترین عوامل بسامد نقد جامعه‌شناسی عبارتند از:

- شرایط اجتماعی-سیاسی حاکم بر جامعه،
- نگاه انتقادی و اجتماعی شاملو به شعر و هنر و اعتقاد به هنر متعهد،
- احساس نیاز جامعه و خوانندگان شعر به شعر معترض اجتماعی بنا بر مقتضیات،
- گسترش روحیه معترض و انقلابی بدلیل شرایط بحرانی اجتماع
- نقش ویژه روشنفکران در تبیین شرایط موجود و رسالت بیداری و رهبری مبارزان و معترضان.

نقد ساختگرا: با توجه به اینکه نقد ساختگرا، اثر را فارغ از هر مؤلفه برون‌متنی و صرفاً با توجه به اجزای درونی‌متنی مورد مطالعه قرار می‌دهد، می‌تواند برای جامعه ادبی ایران که تا کنون نقش اجزای بیرونی را مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از هر مؤلفه دیگر تلقی کرده بود، دربردارنده نکات و کشفیات مهمی باشد. با استفاده از نظریه ساختگرا، منتقدان تمرکز و توجه خود را به ساخت اثر و اجزای تشکیل‌دهنده آن و رابطه میان واژه‌ها معطوف می‌کنند و برآیند این نقد می‌تواند خوانشی تازه و منحصر‌بفرد، فارغ از هر قضاوت و برداشت خارج از متن، بدست دهد که به درک و شناخت بیشتر و بهتر شعر شاملو و آشنایی با جنبه‌های پنهان آن می‌انجامد. از آنجاکه شعر شاملو اجتماعی است و برای تحلیل آن نیاز به مطالعه شرایط محیطی (سیاسی - اجتماعی) و انگیزه سرودن اشعار وجود دارد، آرای این دسته از منتقدان می‌تواند تکمیل‌کننده آرای منتقدان حوزه جامعه‌شناسی باشد. منتقدان در نقد ساختگرا خواسته‌اند با نگرش درون‌متنی و فارغ از اجزا و عناصر بیرونی دخیل در کلام، جهان تازه‌ای پیش روی مخاطب بکشایند و از طریق بررسی فرم، زبان، ساخت و موسیقی، به کشف ظرفیتهای زبانی شعر شاملو نائل شوند و جنبه ناشناخته اشعار او را کشف نمایند.

نقد زیبایی‌شناسی: یکی از عوامل رویکرد خاص منتقدان به جنبه‌های بلاغی و زیبایی‌شناسی شعر شاملو، ظرفیت زیاد اشعار شاملو است. شعر شاملو با ویژگیهای خاص زبانی، موسیقایی، کاربرد صور خیال و آرایه‌های ادبی بشیوه نو و منحصر‌بفرد خویش و آمیختن اندیشه نو، قالب نو، با زبان کهن و گاهی تضادها و تناقضهای میان این دو و بیش از همه نثرگونگی شعر و نامگذاری آن به سپید، مقولاتی است که توجه منتقدان را بخود جلب نموده و آنان را واداشته تا درباره شاملو سخن گویند و به نقد و تحلیل اشعارش بپردازند. این نوع نقد در بین محققان و منتقدانی که در بخش مقالات مورد مطالعه قرار گرفت، نیز جزو بیشترین رویکردها قرار داشت که اقبال منتقدان ایرانی به این نوع نقد را نشان می‌دهد. نقدهای براهنی بر شعر شاملو، عموماً حول این موضع می‌گردد و شفیعی کدکنی نیز در نقد تلفیقی خود، بیشتر از منظر زیبایی‌شناسی بر نوآوریهای شاملو تاخته است. عوامل اقبال منتقدان به نقد زیبایی‌شناسی در ظرفیتهای زیباشناسانه شعر شاملو نهفته است. شاملو با ایجاد نگاه مدرن در شعر، خلق قالب تازه، داشتن نگاه نو به نقش زبان و رسالت آن، تعریف تازه از فرم و ساختمان شعری، در دوره معاصر دست به بدعت زد و خود را در مواجهه نقد و تحسین، موافقت و مخالفت و رد و تأیید منتقدان و شاعران قرار داد؛ از اینرو آثارش ازسوی منتقدان در این زمینه مورد کاوش و موشکافی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

از بررسی نقدهای صورت‌گرفته بر شعر شاملو این نتایج برمی‌آید: در بخش مقالات: میزان نقدهای دهه نود دوبرابر نقدهای صورت‌گرفته در دهه هشتاد است که از دلایل این رشد چشمگیر، میتوان به گسترش دیدگاه‌های نقد نو و آشنایی با نظریه‌های نوین ادبی، گسترش تحصیلات دانشگاهی و بیشتر شدن پژوهشگران و منتقدان، ارتقای تحصیلی مخاطبان شعر و منتقدان و غلبه یافتن نقد تخصصی و آکادمیک اشاره کرد.

بیشترین رویکرد به نقدهای اندیشگی بوده است و منتقدان سعی در واکاوی اندیشه‌ها و بنمایه‌های فکری شاملو داشته‌اند.

در دهه هشتاد بیشترین رویکرد به نقد بلاغی بوده است که علل آن را میتوان در نوگراییهای زبانی، هنجارگریزی، فراهنجاریهای معنایی و در کل رتوریک خاص شعر شاملو جست.

در دهه نود نقد تطبیقی بیشترین بسامد را دارد که نو بودن این نوع نقد و فراگیر شدن آن در جهان، دگرگونی مفهوم هویت ملی و گسترش مفهوم جهانی شدن و گسترش نظریه‌های ادبی نوین در تطبیق و مقایسه ادبی را میتوان از عوامل آن دانست.

بسامد نقد تطبیقی، بلاغی، ساختارگرا و واساختی در دو دهه اخیر نشان میدهد که منتقدان، مطابق جدیدترین رویکردهای نقد در جهان و بر اساس نگاه تازه دنیای نقد پیش میروند. از طرفی جنبه‌های مدرن در شعر شاملو زیاد است و رتوریک شعر او غربی و نو است و با نظریه‌های ادبی نوین انطباق بیشتری دارد. رتوریک یا بلاغت زبان (مجموعه‌ای از بازیهای زبانی و واژه‌های که در زبان جادو ایجاد میکند) و زبان در شعر او خارق‌العاده است و همین سبب کشش مخاطب امروزی به نقد و تحلیل شعر او میشود.

در بخش کتابها: در حوزه کتابها، سی و هفت اثر انتقادی درباره شعر و اندیشه شاملو مورد بررسی قرار گرفت و از بین آنها پانزده اثر شاخص، مطالعه، تحلیل و نقد شد. بیشترین رویکردهای نقد که مورد استقبال صاحب‌نظران و محققان این حوزه قرار گرفته است عبارتند از: نقد تلفیقی (بسامد ۲۷٪)، نقد جامعه‌شناسی (بسامد ۲۴/۳۲٪)، نقد ساختگرا (بسامد ۱۸/۹۲٪)، و نقد زیبایی‌شناسی (بسامد ۱۶/۲۲٪).

رویکرد نقد تلفیقی به نقد که حدوداً ۲۷ درصد آرای منتقدان را شامل میشود و بیشترین بسامد را دارد، از نظر نگارنده از دو عامل پیروی میکند: الف) برخی منتقدان هنوز با شیوه‌های نوین نقد و نظریه‌های معاصر جهان آشنایی نداشته‌اند؛ بنابراین بشیوه سنتی اثر خود را ارائه داده و اشعار و افکار شاملو را از دیدی همه‌جانبه مورد نقد قرار داده‌اند؛ به این صورت که معایب و محاسن شعر شاملو را در ترازوی نقد گذاشته‌اند. ب) برخی منتقدان این حوزه، از شاعران معاصر و یا دوستان شاملو هستند که احتمالاً با انگیزه مخالفت یا موافقت و در جهت رد یا تأیید آرا و نوآوریهای شاملو در شعر، اقدام به نقد کرده‌اند و در خلال نقد، احوال و افکار او را با توجه به شناختی که از او داشته‌اند شرح داده‌اند.

نقد جامعه‌شناسی با بسامد حدود ۲۴٪ جزو بیشترین نقدهای انجام‌شده قرار دارد که مهمترین عوامل آن در شرایط اجتماعی-سیاسی حاکم بر جامعه، نگاه انتقادی و اجتماعی شاملو به شعر و هنر، مورد توجه قرار گرفتن شعر معترض اجتماعی بنا بر مقتضیات، گسترش روحیه معترض و انقلابی و... نهفته است.

رویکرد به نقد ساختگرا با بسامد حدود ۱۹ درصد، در رده سوم نقدهای طبقه‌بندی‌شده قرار گرفته است که به نظر نگارنده توجه بدین گونه، تحت تأثیر رویگردانی از نقد سنتی قرار داشته است و منتقدان خواسته‌اند با نگرش درون‌متنی و فارغ از اجزا و عناصر بیرونی دخیل در کلام، جهان تازه‌ای پیش روی مخاطب بکشایند و جنبه‌های ناشناخته اشعار را کشف نمایند و از طریق بررسی فرم، زبان، ساخت و موسیقی به کشف ظرفیتهای زبانی شعر شاملو نائل شوند. برآیند این نقد خوانشی تازه و منحصر بفرد، فارغ از هر قضاوت و برداشت خارج از متن، بدست داده که به درک و شناخت بیشتر و بهتر شعر شاملو و آشنایی با جنبه‌های پنهان آن انجامیده است.

در نوع نقد زیبایی‌شناسی، جنبه‌ها و جلوه‌های بلاغی زیاد شعر شاملو موجب اقبال منتقدان به این نوع نقد بوده است. شعر شاملو با ویژگیهای خاص زبانی، موسیقایی، کاربرد صور خیال و پایه‌گذاری یک قالب جدید در شعر فارسی با چارچوب بیرونی و درونی منحصر بفرد، توجه منتقدان را بخود جلب نموده و آنان را واداشته تا درباره شاملو سخن گویند و به نقد و تحلیل اشعارش بپردازند. چرایی بسامد نقد بلاغی به ایجاد نگاه مدرن در شعر، خلق قالب تازه، داشتن نگاه نو به نقش زبان و رسالت آن، تعریف تازه از فرم و ساختمان شعری برمیگردد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان استخراج شده است. آقای دکتر محمدرضا روزبه راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سهیلا غلامی‌نژاد به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر علی نوری به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله، حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه لرستان و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abedi, Kamyar. (2014). An Introduction to Persian Poetry in the Twentieth Century, Tehran: Jahan-e-Ketab, pp. 181 and 466.
- Balal, Farzad, Gholam Hosseinzadeh, Gholam Hossein & Taheri, Ghodratollah. (2014). Review and analysis of critiques related to Shamloo, *Persian Language and Literature*, Sanandaj Azad University, (18) 6, pp. 1-28.
- Eagleton, Terry. (2014). An Introduction to Literary Theory, 8th Edition, Tehran: Markaz Publishing, pp. 129 and 143.
- Habib. M. A. R. (2017). Modern literary criticism and theory, translated by Sohrab Tavousi, Tehran: Contemporary View, p.22.
- Hoquqi, Mohammad. (2013). Poetry of our time, Vol. 1, 13th edition, Tehran: Negah, pp.30-31.
- Kiani, Reza, Salimi, Ali and Jabri, Susan. (2017). An Introduction to the Pathology of Contemporary Poetry in the Semantic Field of Language (with a Critical-Comparative Look at Contemporary Iranian and Iraqi Poetry), *Literary Techniques*, (1) 9, pp. 19- 38.
- Meqdadi, Bahram. (2014). Encyclopedia of Literary Criticism, Tehran: Cheshmeh, p.5.
- Nojournian, Amir Ali. (2012). Towards a New Definition of Comparative Literature and Comparative Criticism, *Literary Research*, 9 (38), pp. 131-148.

- Qaraguzlu, Mohammad. (2003). *Thus said Bamdad Khesteh*, Tehran: Azadmehr.
- Qaraguzlu, Mohammad. (2005). *Nazli did not speak*, Tehran: Negah.
- Qaraguzlu, Mohammad. (2018). *Bitter History as Narrated by Ahmad Shamloo*, Tehran: Negah.
- Roosbeh, Mohammad Reza. (2008). *Contemporary Iranian Literature (prose)*, third edition, Tehran: Roozgar, pp. 118-119.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (2015). *With lights and mirrors (in search of the roots of the evolution of contemporary Iranian poetry)*, fifth edition, Tehran: Sokhan, p. 516.
- Shamisa, Sirus. (2007). *Literary Criticism*, Tehran: Mitra, pp. 15 and 25-27.
- Shamloo, Ahmad. (2014). *Sinbad in the Journey of Death*, Collection of Conversations of Ahmad Shamloo, under the supervision of Aida Shamloo, Tehran: Cheshmeh, p. 76.
- Tyson, Lewis. (2015). *Theories of Contemporary Literary Criticism*, Volume 8 of the Collection of Literary Criticism and Theory, Third Edition, Tehran: Today's Look, pp. 411 and 283.
- Vosoughi, Nasser. (2014). *Persian Language and Contemporary Literature*, compiled by Kamyar Abedi, Tehran: Baztabnegar, p. 253.

فهرست منابع فارسی

- ادبیات معاصر ایران (نثر)، روزبه، محمدرضا (۱۳۸۷)، چاپ سوم، تهران: روزگار.
- با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)، شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۴)، چاپ پنجم، تهران: سخن.
- بررسی و تحلیل نقدهای مربوط به شاملو، بالال، فرزاد، غلامحسین‌زاده، غلامحسین، و طاهری، قدرت‌الله (۱۳۹۳)، زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد سنندج، (۱۸) ۶، صص ۱-۲۸.
- بسوی تعریفی تازه از ادبیات تطبیقی و نقد تطبیقی، نجومیان، امیرعلی (۱۳۹۱)، پژوهشهای ادبی، (۳۸) ۹، صص ۱۳۱-۱۴۸.
- پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، ایگلتون، تری (۱۳۹۳)، چاپ هشتم، تهران: نشر مرکز.
- تاریخ تلخ به روایت احمد شاملو، قراگوزلو، محمد (۱۳۹۷)، تهران: نگاه.
- چنین گفت بامداد خسته، قراگوزلو، محمد (۱۳۸۲)، تهران: آزادمهر.
- دانشنامه نقد ادبی، مقدادی، بهرام (۱۳۹۳)، تهران: چشمه.
- درآمدی بر آسیب‌شناسی شعر معاصر در حوزه معنایی زبان (با نگاهی نقدی-تطبیقی به شعر معاصر ایران و عراق)، کیانی، رضا، سلیمی، علی و جبری، سوسن (۱۳۹۶)، فنون ادبی، (۱) ۹، صص ۱۹-۳۸.
- زبان فارسی و ادبیات معاصر، وثوقی، ناصر (۱۳۹۳)، گردآوری کامیار عابدی، تهران: بازتاب نگار.
- سندباد در سفر مرگ، مجموعه گفتگوهای احمد شاملو، شاملو، احمد (۱۳۹۳) زیر نظر آیدا شاملو، تهران: چشمه.
- شعر زمان ما، حقوقی، محمد (۱۳۹۲)، ج ۱، چاپ سیزدهم، تهران: نگاه.
- مقدمه‌ای بر شعر فارسی در سده بیستم میلادی، عابدی، کامیار (۱۳۹۳)، تهران: جهان کتاب.

نازلی سخن نگفت، قراگوزلو، محمد (۱۳۸۴)، تهران: نگاه.

نظریه‌های نقد ادبی معاصر، تایسن، لیس (۱۳۹۴)، جلد هشتم از مجموعه نقد و نظریه ادبی، چاپ سوم، تهران: نگاه امروز.

نقد ادبی مدرن و نظریه، حبیب، م. ا. ر. (۱۳۹۶)، ترجمه سهراب طاووسی، تهران: نگاه معاصر.

نقد ادبی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، تهران: میترا.

Bassnett, susan. (2006). reflections on comparative literature in the twenty- first century, comparative cultural studies3, 3- 4.

Said Edward w. (1994). culture and imperialism. New York: vintge books, p. 49.

معرفی نویسندگان

سهیلا غلامی‌نژاد: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: soheila_gholami@gmail.com)

محمد رضا روزبه: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: rayanroozbeh@yahoo.com : نویسنده مسئول)

علی نوری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: a.noori@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Soheila Gholaminejad: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: soheila_gholami@gmail.com)

Mohammad Reza Roozbeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: rayanroozbeh@yahoo.com : Responsible author)

Ali Nouri: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: a.noori@yahoo.com)